

رویکرد حمایتی به شهود در قوانین کیفری ایران و فرانسه

زینب باقری نژاد^۱

چکیده

گواهی به عنوان یکی از مهم‌ترین ادله‌ی اثبات دعوی کیفری، از گذشته تاکنون مورد توجه بوده است. ادای شهادت در راستای کشف حقیقت، شاهد را در معرض خطر و تهدید از سوی مرتکبان جرایم قرار می‌دهد. به همین علت، پاس‌داشت عدالت و دادگستری از یک سوی و صیانت از شهروندان به ویژه در مقام همکاری با دستگاه قضایی و پلیس و حمایت از بزه‌دیدگان جرایم از سوی دیگر، توجیه‌کننده‌ی حمایت از شهود است. حمایت از شاهد در پرتو رویکردهای حمایتی مختلف امکان‌پذیر است؛ یکی از مؤثرترین و کارآمدترین رویکردها، پیش‌بینی اقدامات حمایتی در قوانین کیفری (ماهوی و شکلی) است؛ تا مقام قضایی بتواند با توجه به قانون و ضرورت اعمال این برنامه‌ها در هر مورد خاص، دستور به اجرای آن‌ها بدهد.

واژگان کلیدی

شاهد، تهدید شاهد، حمایت از شاهد، جرم‌انگاری، قرار بازداشت موقت

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۱. درآمد

دادرسی منصفانه و اجرای عدالت، مستلزم آن است که اگر دلیل بزه‌دیده، شهادت شهود است، وی بتواند به راحتی شهود خود را به مقام صالح قضایی معرفی کند و اگر مانعی در اجرای این حق به وجود آید، باید برطرف شود.

اما، در سوی دیگر دعوای کیفری، متهم قرار دارد که با وجود اصل برائت، گاه ناچار به توسل به شهادت شهود می‌شود. چه بسا ادعاهای واهی علیه متهمی مطرح گردیده و متهم بی‌گناه برای رهایی از این وضعیت ناچار به شهادت روی آورد. در این‌جا، امکان دارد موانعی بر سر راه شهودی که می‌خواهند به نفع متهم شهادت دهند، ایجاد شود. دادرسی منصفانه باید ضامن حقوق متهم و بزه‌دیده به صورت مساوی باشد و در این مورد نیز در صورت ضرورت، از شهود متهم حمایت‌های لازم را به عمل آورد.

قانون‌گذار در مقام حمایت از شهود، اقدامات و تدابیر غیر کیفری مختلفی مانند برگزاری جلسه‌ی دادگاه به صورت غیرعلنی و حمایت‌های مالی و جسمانی از شهود را مورد توجه قرار داده است. (باقری‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۱۱) به‌رغم آن‌که مقنن تلاش کرده است از طریق این اقدامات و تدابیر غیر کیفری و با صیانت از کیان شهود، زمینه‌ی کشف حقیقت را فراهم آورد، اما به علل مختلفی، در عمل پاره‌ای از این تدابیر ناکارآمد و غیر مؤثر جلوه کرده است. به‌منظور جبران این کمبودها، قانون‌گذار علاوه بر حمایت از شهود از طریق شیوه‌ها و روش‌های غیر کیفری، به تدابیر و اقدامات کیفری نیز توجه نموده است. این تدابیر و اقدامات گاه در قوانین ماهوی در قالب تدابیری چون جرم‌انگاری و گاه در قوانین شکلی به شیوه‌های مختلف مانند بازداشت موقت متهم نمود یافته است. در این نوشتار سعی شده است تا به صورت مختصر این اقدامات حمایتی در حقوق ایران، فرانسه و در موارد لزوم در اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد.

۲. حمایت از شهود در قوانین ماهوی

اتخاذ تدابیر حمایتی در قوانین ماهوی کشورها یکی از شیوه‌هایی است که به منظور حمایت از شهود مورد استفاده قرار گرفته است، اما توجه به قوانین ماهوی داخلی و خارجی، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که قانون‌گذاران به ندرت موادی را به صورت انحصاری به حمایت از شهود اختصاص داده‌اند؛ هر چند از محتوای برخی مواد می‌توان به صورت ضمنی، حمایت از شهود را استنباط کرد، اما، اتخاذ برخی شیوه‌های حمایتی کیفی در قوانین ماهوی به صورت مؤثرتری خواهد توانست، هدف حمایت از شهود را برآورده سازد. در این قسمت ابتدا حمایت از شاهد در قالب جرم‌انگاری و سپس تدابیر مختلف دیگری که در قوانین ماهوی می‌تواند در راستای حمایت از شهود مفید باشد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۱. جرم‌انگاری

مهم‌ترین جنبه‌ی حمایت از شهود در قوانین ماهوی را می‌توان در قالب جرم‌انگاری اعمال لطمه زننده به تمامیت جسمانی یا معنوی شهود ملاحظه کرد. هرچند جرم‌انگاری برخی از اعمال در سیاست کیفری کشورها به منظور احیای نظم اجتماعی و مجازات تعرض‌کنندگان به هنجارها و ارزش‌های مورد پذیرش جامعه است، اما نمی‌توان این واقعیت را نادیده انگاشت که جرم‌انگاری یک عمل، به معنای پذیرش آن عمل و معرفی آن به عنوان یک ارزش و هنجار دست کم مورد پذیرش دولت‌ها است و در حقیقت جرم‌انگاشتن نقض یک عمل، به مفهوم ارزش‌گذاری در اعتبار بخشیدن به یک عمل است. در همین راستا، حمایت از شاهد به عنوان یک ارزش مورد پذیرش در فرایند دادرسی، ایجاب می‌کند تا هرگونه اقدام در راستای نقض این ارزش، خواه از طریق تهدید یا توهین یا افشای هویت یا اقامتگاه شاهد مورد مجازات قرار گیرد.

۱-۲-۱. جرم‌انگاری تهدید شاهد

تهدید به اقدام علیه دیگری، از جمله اعمالی است که قانون‌گذاران کشورهای مختلف آن را در قوانین داخلی خود، جرم تلقی کرده‌اند. در ماده‌ی ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی و یا به افشای سرّی نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا هفتاد و چهار ضربه، یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد». این موضوع مورد توجه قانون‌گذار فرانسوی نیز واقع گردیده و در ماده‌ی ۱۸-۲۲۲ قانون مجازات فرانسه مقرر شده است «تهدید با هر ابزاری به ارتکاب جنایت یا جناح‌ای علیه دیگری، هنگامی که همراه با دستور به انجام شرطی صورت گیرد، مستوجب سه سال حبس ساده و چهل و پنج هزار یورو جزای نقدی است. هنگامی که موضوع، تهدید به مرگ باشد، مجازات تا پنج سال حبس ساده و هفتاد و پنج هزار یورو جزای نقدی افزایش می‌یابد».

با توجه به این ماده، موضوع تهدید باعث تشدید مجازات می‌شود؛ لذا، تهدید به مرگ دارای شدیدترین مجازات است. برای تحقق جرم موضوع این مواد، عمل ترساندن طرف دیگر به هر آنچه برای وی ناخوشایند است، باید صورت پذیرد. این تهدید بنا به تصریح مواد می‌تواند شامل تهدید به قتل یا ضررهای نفسی و شرفی یا افشای سرّ باشد. «هرگاه ضرر، بنا به قضاوت عرف، کوچک و قابل اغماض باشد، این جرم محقق نخواهد شد». (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۳) اما باید خاطر نشان ساخت که تهدید به آسیب رساندن به بستگان شخص تهدید شده نیز کفایت می‌کند. البته مقصود از بستگان «خویشاوندان نزدیک سببی یا نسبی فرد می‌باشند، که ورود ضرر به آن‌ها برای فرد نگران‌کننده است». (همان، ص ۴۸۴).

در قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار موضوع تهدید را به قید حصر، شامل

قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و افشای سرّ می‌داند. با توجه به صراحت مواد، خواسته‌ی تهدیدکننده و به عبارت دیگر انگیزه‌ی او برای ارتکاب جرم در نظر قانون‌گذار اهمیت ندارد؛ بنابراین، اگر کسی شاهی را به قتل یا سایر ضررهای ذکر شده در مواد قانونی تهدید کند و خواسته‌ی او عدم شهادت شاهد باشد، جرم تهدید محقق شده است. افزون بر این، قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی^۱، به جرم‌انگاری «سرقت مقرون به آزار یا تهدید» پرداخته است. با توجه به این ماده، اگر مرتکب یا مرتکبان در حین سرقت به تهدید شاهی که وقوع این جرم را مشاهده کرده یا به تهدید بزه‌دیده‌ی جرم که شاهد نیز به شمار می‌آید، بپردازند، جرم موضوع این ماده محقق گردیده است. از ظاهر ماده‌ی یاد شده این‌گونه برداشت می‌شود که تهدید باید برای ارتکاب جرم سرقت یعنی سهولت در انجام آن باشد، اما شاید بتوان در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و شاهدان جرم، این ماده را این‌گونه تفسیر کرد که چون قانون‌گذار به طور مطلق از سرقت مقرون به آزار سخن گفته و اظهار نکرده است که این تهدید یا آزار حتماً باید در راستای ارتکاب جرم سرقت باشد، لذا، هرگونه تهدید یا آزاری شامل این ماده می‌شود که از جمله‌ی این تهدیدها می‌توان به تهدید شهود جرم اشاره کرد، اما، اگر این تفسیر را نپذیریم می‌توان این پیشنهاد را در راستای حمایت از شاهد به قانون‌گذار داد که تهدید شهود در هنگام سرقت به منظور جلوگیری از مراجعه‌ی شهود به دادگستری و ادای شهادت، به صورت مستقل جرم‌انگاری شود.

مقنن ایرانی علاوه بر این، در بند ۵ ماده‌ی ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی، تهدید در ضمن سرقت را باعث تشدید مجازات دانسته است. هرچند برخی از نویسندگان این تهدید باید در هنگام سرقت و برای تسهیل سرقت باشد. (میرمحمدصادقی،

۱. ماده‌ی ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد، به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد، علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌شود».

۱۳۸۲، ص ۲۶۹) به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق این بند و عدم تقیید آن توسط قانون‌گذار، تهدید می‌تواند علاوه بر این که به منظور تسهیل وقوع جرم باشد، برای جلوگیری از شکایت بزه‌دیدگان و شهود قضیه از سارقان نیز ارتکاب یابد.

از مواد مربوط به تهدید، می‌توان تهدید شهود را نیز استنباط کرد، اما اگر قانون‌گذار به صراحت به جرم‌انگاری «تهدید شهود به منظور جلوگیری از ادای شهادت» به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی بپردازد و یا در صورتی که تهدید به منظور جلوگیری از ادای شهادت باشد، مجازات مقرر قانونی تشدید شود، هدف حمایت از شهود بهتر تأمین می‌گردد.

در اسناد بین‌المللی به صراحت به جرم‌انگاری «تهدید شهود» پرداخته نشده است، در این اسناد علاوه بر ذکر برخی موارد حمایتی از شهود، تعیین مصادیق حمایت از شهود به عهده‌ی دولت‌های عضو گذاشته شده است، لذا دولت‌هایی که به این کنوانسیون‌ها ملحق شده‌اند، در جهت حمایت بیش‌تر از شهود می‌توانند به جرم‌انگاری تهدید شاهد به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات حمایتی کیفری در قوانین داخلی خود بپردازند.

۲-۱-۲. جرم‌انگاری توهین به شاهد

جرم توهین از جمله جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص محسوب می‌شود. برای این جرم تعاریف مختلفی ارائه شده است، اما آنچه در تعریف توهین اهمیت دارد، این است که رفتار مرتکب عرفاً باعث تخفیف و تحقیر بزه‌دیده شود. اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در نظریه‌ی شماره‌ی ۱۳۷۷/۸/۱۶-۷/۳۴۷۲، در تأیید عرفی بودن توهین اظهار داشته است: «هانته، امر عرفی و تشخیص آن با قاضی

۱. ر.ک: ماده‌ی ۲۲ اساسنامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ماده‌ی ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده‌ی ۲۴ کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان‌یافته‌ی فراملی و ماده‌ی ۲۲ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی.

رسیدگی کننده به پرونده است». افزون بر این رفتار مرتکب باید موهن باشد. دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره‌ی ۲۲۶۸-۱۳۱۹/۷/۱۳ تصریح کرده است که صرف خشونت در گفتار را نمی‌توان توهین کیفری محسوب نمود.

در ماده‌ی ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار به جرم‌انگاری توهین پرداخته است. این ماده مقرر می‌دارد: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات تا (هفتاد و چهار) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود». در این ماده‌ی قانون‌گذار از واژه‌ی «افراد» استفاده نموده است؛ لذا، توهین به هر شخصی می‌تواند مشمول این ماده قرار گیرد. همچنین مصادیق مذکور در ماده، تمثیلی بوده و در صورتی که اعمال دیگری نیز از لحاظ عرفی، وهن آور محسوب شوند، مرتکب براساس این ماده مجازات می‌شود.

قانون‌گذار فرانسه نیز در ماده‌ی ۴۳۳-۵ مقرر داشته است: «گفتار، رفتار یا تهدید، نوشته یا تصویر یا ارسال اشیاء به هر صورت که نسبت به یک مأمور یا مستخدم دولتی، تعرض به کرامت یا حرمت شغلی وی محسوب شود، هرگاه در حین انجام وظیفه یا به مناسبت انجام وظیفه صورت گیرد، توهین محسوب شده و تا هفتاد و پنج هزار یورو جزای نقدی خواهد داشت...».

در این دو ماده، قانون‌گذاران به جرم‌انگاری توهین ساده پرداخته‌اند. علاوه بر این، قانون‌گذاران ایران و فرانسه در مواد دیگری به جرم‌انگاری توهین مشدد پرداخته‌اند، اما در این قوانین، توهین به شاهد، به عنوان یکی از مصادیق توهین مشدد ذکر نشده است.

در اسناد بین‌المللی همانند تهدید شاهد، به صراحت به جرم‌انگاری توهین به شاهد نیز پرداخته نشده است، اما از آن جا که اجازه‌ی اقدامات حمایتی ضروری از

۱. مواد ۵۱۴، ۵۱۷، ۶۰۹ و ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی و ذیل ماده‌ی ۴۳۳-۵ قانون مجازات فرانسه از جمله موادی است که توهین مشدد در آن‌ها جرم‌انگاری شده است.

شاهد به کشورها داده شده است، قانون گذاران می‌توانند در راستای حمایت از شهود، به جرم‌انگاری توهین به شاهد نیز بپردازند.

در نظام حقوقی ایران، اهمیت این امر زمانی بیش‌تر پدیدار می‌شود که توهین به وکلای دادگستری^۱، کارشناسان رسمی^۲ و قضات^۳ به عنوان اشخاصی که در یک دعوی جزایی مداخله می‌کنند، به طور خاص جرم‌انگاری و مجازات بیش‌تری برای مرتکب آن پیش‌بینی شده، اما در مورد شهود چنین موضوعی مورد توجه قرار نگرفته است. توهین به شاهد بر اساس مواد مربوط به توهین ساده قابل مجازات است، اما به دلیل اهمیت شهادت در دعوی کیفری و حمایت از شأن و کرامت شاهد به عنوان فردی که نقشی مهمی را در جریان دادرسی ایفا می‌نماید، جرم‌انگاری توهین به شاهد به صورت خاص همانند سایر افرادی که در امر جزایی مداخله می‌کنند، ضرورت دارد.

۳-۱-۲. جرم‌انگاری افشای هویت یا اقامتگاه شاهد

شناخت هویت یا اقامتگاه شهود، در برخی جرایم ممکن است، تمامیت جسمانی شهود را در معرض مخاطره قرار دهد. در این صورت باید به شاهد اجازه داده شود بدون این‌که، هویت و یا اقامتگاه او برای متهم آشکار شود، به ادای شهادت بپردازد و اگر با این اقدام موافقت گردید، هویت یا اقامتگاه شاهد به صورت محرمانه باقی مانده و در صورت افشای آن، مرتکب مجازات شود. در غیر این صورت، امنیت شهود تضمین نگردیده و شهود از ادای شهادت خودداری می‌ورزند.

متأسفانه قانون آیین دادرسی کیفری ایران، نه تنها منع افشای هویت و یا اقامتگاه شاهد را پیش‌بینی نکرده است، بلکه به متهم اجازه می‌دهد پس از تکمیل

۱. ماده‌ی ۲۰ لایحه‌ی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳.

۲. ماده‌ی ۲۰ لایحه‌ی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۷.

۳. ماده‌ی ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

تحقیقات از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل کند، بدون این که، شرط یا شرایطی را پیش بینی کرده باشد.^۱ این امر به معنای رعایت حقوق دفاعی متهم است، اما در برخی جرایم مانند جرایم مهم و سازمان یافته، امنیت شهود را در معرض مخاطره قرار می دهد؛ این موضوع هنگامی که دلیل اصلی پرونده برای محکومیت متهم، شهادت شهود باشد، نمود بیش تری می یابد.

تدوین کنندگان لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری ایران به این موضوع توجه ویژه نموده و در ماده‌ی ۴۷-۱۲۵ مقرر داشته‌اند: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی یا ضرر مالی نسبت به شاهد یا مطلع و یا خانواده آن‌ها وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آن‌ها ضروری باشد، باز پرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می کند: ... ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع،...». توجه به مفاد این ماده نشان می دهد که تدوین کنندگان لایحه از یک سو، به منظور حمایت از شاهد، عدم افشای هویت و یا اقامتگاه شاهد را پیش بینی کرده‌اند و از سوی دیگر، به منظور رعایت حقوق دفاعی متهم، باز پرس را مکلف کرده‌اند تا علت اتخاذ چنین تدبیری را در پرونده ذکر نموده و تنها زمانی به این تدابیر روی آورد که استماع اظهارات شاهد ضروری باشد. پیش بینی چنین موضوعی می تواند از اتخاذ این رویکرد حمایتی بدون دلیل که منجر به نقض حقوق دفاعی متهم می شود، جلوگیری کند.

علاوه بر آن، در تبصره‌ی ماده‌ی ۷ پیش نویس لایحه‌ی حمایت از منابع و شهود^۲ آمده است: «هویت منابع و شهود موضوع این قانون غیر قابل افشاء است». در این ماده بدون هیچ قید و شرطی، افشای هویت منابع و شهود ممنوع دانسته شده

۱. ماده‌ی ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری «در مواردی که تحقیقات تکمیل و برای انجام محاکمه وقت تعیین شده باشد متهم یا وکیل او حق دارند پیش از شروع محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل کنند».

۲. لایحه‌ی حمایت از منابع و شهود توسط وزارت اطلاعات تهیه شده و تاکنون به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. در ماده‌ی ۱ این لایحه در تعریف «منبع» آمده است «منبع شخصی است که اخبار، گزارشات، تسهیلات، امکانات و فعالیت خود را در اختیار مراجع ذیصلاح قانونی قرار می دهد».

است. هرچند مقصود از منابع و شهود در این قانون، مخبران و افراد نفوذی هستند که نیاز به حمایت‌های بیش‌تری دارند، اما بازگذاشتن دست مقام قضایی تا این اندازه می‌تواند حقوق متهم را به مخاطره افکند، لذا ضرورت داشت همانند لایحه آیین دادرسی کیفری، شرایطی برای اجرای این تدبیر حمایتی پیش‌بینی شود.

ماده‌ی ۷۰۶-۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مورد منع افشای هویت افراد نفوذی مقرر می‌دارد: «هویت واقعی افسران یا مأموران پلیس قضایی که با هویت مستعار در عملیات مخفی نفوذ در باندهای مجرمانه شرکت داشته‌اند، نباید در هیچ کدام از مراحل دادرسی، افشاء شود...».

با توجه به ظاهر این ماده، همانند تبصره ماده‌ی ۷ لایحه‌ی حمایت از منابع و شهود، هیچ قید و شرطی برای حمایت از افراد نفوذی پیش‌بینی نشده است، اما در مواد دیگر قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، شروطی برای مخفی نگه داشتن هویت افراد نفوذی پیش‌بینی گردیده تا حقوق دفاعی متهم به مخاطره نیفتد^۱. به عنوان نمونه در ماده‌ی ۷۰۶-۸۷ این قانون مقرر گردیده: «هیچ محکومیتی نمی‌تواند تنها براساس توضیحات و ملاحظات افسران یا مأموران پلیس قضایی که در عملیات مخفی نفوذ در باندهای مجرمانه شرکت داشته‌اند، صادر شود». این ماده به روشنی بیانگر رعایت حقوق دفاعی متهم در جریان دادرسی کیفری است.

علاوه بر ماده‌ی ۷۰۶-۸۴، قانون‌گذار فرانسه به منظور حمایت از کلیه‌ی افرادی که به عنوان شاهد در دادرسی حاضر می‌شوند و نیاز به اقدامات حمایتی دارند، عدم افشای هویت و یا اقامتگاه آنان را پیش‌بینی نموده است^۲. قانون‌گذار فرانسه علاوه

1. See: Art. 706-81 et 706-80C.pr.pén

۲. ماده‌ی ۷۰۶-۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: «اشخاصی که علیه آن‌ها هیچ دلیل موجهی وجود ندارد که احتمال داده شود آن‌ها مرتکب جرم شده‌اند یا شروع به ارتکاب جرم کرده‌اند و قابلیت مطرح کردن ادله مربوط به دادرسی را دارند، می‌توانند با اجازه‌ی دادستان شهرستان یا بازپرس، آدرس کلانتری یا پریگارد ژاندارمری را به عنوان محل اقامت خود اعلام نمایند...».

ماده‌ی ۷۰۶-۵۸ قانون مذکور: «در رسیدگی به جنایت یا جنجهای که مجازات آن حداقل سه سال حبس است، زمانی که استماع شخص مذکور در ماده‌ی ۷۰۶-۵۷ این قابلیت را دارد که به شدت حیات یا تمامیت جسمانی این شخص، اعضای خانواده یا نزدیکان او را به خطر بیندازد، قاضی آزادی‌ها و بازداشت به درخواست موجه دادستان



بر این برای رعایت حقوق دفاعی متهم مقرر داشته: «در صورتی که با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که در آن‌ها جرم ارتکاب یافته است یا شخصیت شاهد، شناخت هویت شخص برای اجرای حقوق دفاعی ضروری باشد، مقررات ماده‌ی ۵۸-۷۰۶ قابل اجرا نیست»^۱.

حمایت از شهود از طریق منع افشای هویت و یا اقامتگاه شاهد در اسناد بین‌المللی نیز پیش‌بینی شده است. در ماده‌ی ۲۲ اساس‌نامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده‌ی ۲۱ اساس‌نامه‌ی دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا مقرر گردیده: «دادگاه بین‌المللی باید در مقررات و آیین دادرسی و ادله‌ی خود، برنامه‌های حمایت از شهود و بزه‌دیده را مقرر دارد و چنین اقدامات و تدابیر حمایتی، شامل... محرمانه نگاه داشتن هویت قربانیان جرم نیز هست...». به منظور اجرای این ماده در مواد ۶۹۲ و ۷۵۳-۲ مقررات آیین دادرسی و ادله‌ی دیوان یوگسلاوی سابق و روآندا پیش‌بینی شد که دادستان در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و دادگاه در مرحله‌ی رسیدگی، قادر به اتخاذ تصمیم در مورد منع افشای هویت یا اقامتگاه شاهد باشد. در بند «الف» ماده‌ی ۳-۸۷ قواعد دادرسی و ادله‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نیز به منظور حمایت از شاهد مقرر گردیده: «نام بزه‌دیدگان و شهود یا هر شخصی که به واسطه‌ی شهادت در معرض خطر قرار می‌گیرند و دیگر اطلاعات هویتی، از گزارش‌های علنی دادگاه حذف شود». همچنین در ماده‌ی ۳۲ کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان‌یافته‌ی

شهرستان یا بازپرس، می‌تواند در قالب یک تصمیم موجه اجازه دهد که اظهارات این شخص، بدون این‌که هویت او در پرونده مورد رسیدگی آشکار گردد، کسب شود...».

1. Art. 706-60. C.pr.pén.

۲. ماده‌ی ۶۹ مقررات دادرسی و ادله‌ی دیوان یوگسلاوی سابق و روآندا: «در شرایط استثنایی، دادستان ممکن است از دادگاه بدوی درخواست نماید که نسبت به عدم افشای هویت شاهد یا قربانی که در معرض خطر هستند، دستور دهد تا چنین فردی تحت برنامه‌ی حمایتی دیوان قرار گیرد».

۳. ماده‌ی ۲-۷۵ مقررات دادرسی و ادله‌ی دیوان یوگسلاوی سابق و روآندا: «دادگاه ممکن است ... نسبت به موارد زیر دستور دهد... ۱- تدابیری برای عدم افشای هویت یا مکان زندگی شاهد یا قربانی یا افرادی که با آن‌ها در ارتباط هستند برای عموم و رسانه‌ها...».

فراملی به منظور حمایت از شهود در مقابل گروه‌های مجرمانه‌ی سازمان‌یافته، عدم افشای هویت و یا اقامتگاه شاهد پیش‌بینی گردیده است.

در لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، منع افشای هویت یا اقامتگاه شاهد پیش‌بینی گردیده است، اما، در صورت افشای هویت یا اقامتگاه شاهد، افشاکننده با هیچ‌گونه ضمانت اجرای کیفری روبه‌رو نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، افشای هویت یا اقامتگاه شاهد جرم‌انگاری نگردیده است. این در حالی است که جرم‌انگاری این عمل به منظور حمایت از شهود ضرورت دارد؛ در غیر این صورت صرف پیش‌بینی این اقدام حمایتی بدون داشتن ضمانت اجرا بی‌فایده خواهد بود. به همین علت است که قانون‌گذار فرانسه در ذیل ماده‌ی ۵۹-۷۰۶ مقرر داشته «... افشای هویت یا آدرس شاهد منتفع شده از مقررات مواد ۵۷-۷۰۶ یا ۵۸-۷۰۶ مستوجب مجازات پنج سال حبس و هفتاد و پنج هزار یورو جزای نقدی است».

با توجه به این ماده، افشای هویت یا اقامتگاه شاهد با دو مجازات حبس و جزای نقدی روبه‌رو می‌گردد و این امر باعث می‌شود تا حمایت از شاهد به بهترین نحو انجام شود. علاوه بر این ماده، قانون‌گذار فرانسوی در مورد افشای هویت افراد نفوذی نیز پیش‌بینی نموده است که در صورت افشای هویت، مرتکب به مجازات حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود؛ همچنین در صورتی که افشای هویت باعث خشونت، ضرب و جرح علیه این اشخاص یا وابستگان، اطفال، اجداد در خط مستقیم آن‌ها و یا باعث مرگ آن‌ها گردد، مجازات‌ها افزایش می‌یابد.^۱

بنابراین، در پاسخ به این ایراد برخی حقوق‌دانان که معتقدند «بعضی پنهان‌کاری‌ها مانند مکتوم نگه داشتن مشخصات شهود و یا شاکی و اعلام‌کننده‌ی جرم توجیه قانونی و عللی ندارد و دفاع متهم را به مخاطره می‌اندازد» (آخوندی، ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۱۱۵)، می‌توان گفت حمایت از حقوق فردی شاهد و

1. Art. 706-84, C.pr.pén.

بزه‌دیدگان جرم و حمایت از عدالت و دادگستری می‌طلبند تا در برخی مواقع هویت و اقامتگاه شاهد پنهان بماند و به همین منظور اگر این اقدام حمایتی به صراحت در قوانین پیش‌بینی شده و برای آن ضمانت اجرای مناسب نیز در نظر گرفته شود، اتخاذ این شیوه‌ی حمایتی، وجاهت قانونی یافته و به ایرادهای وارد بر آن نیز پاسخ داده خواهد شد.

۲-۲. عدم امکان انتساب افترا به شاهد و اخذ ضمانت احتیاطی از متهم

اتخاذ روش‌هایی به منظور حمایت از شهود در فرایند دادرسی کیفری در قوانین ماهوی، افزون بر جرم‌انگاری برخی اعمال، می‌تواند شامل تدابیر دیگری نیز باشد. این تدابیر که در راستای حمایت از شهود مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌تواند به صورت جرم‌زدایی از یک عمل نسبت به شاهد و یا اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از تهدید شاهد باشد؛ بنابراین، در صورتی که شاهد در هنگام ادای شهادت، جرمی را به دیگری نسبت دهد، در راستای حمایت از او، جرم افترا محقق نگردیده و شاهد از تعقیب و مجازات مصون است. افزون بر این، در صورتی که شاهد توسط متهم تهدید شود، با گرفتن ضمانت احتیاطی از متهم، می‌توان مانع به اجرا گذاشتن تهدید شد.

۲-۲-۱. عدم امکان انتساب افترا به شاهد

افترا از جمله جرایمی است که به شخصیت معنوی افراد لطمه می‌زند؛ بنابراین قانون‌گذار ایران در ماده‌ی ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره: در مواردی که نشر

آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد».

برای تحقق جرم افترا، که در قوانین کشورهای مختلف نیز جرم‌انگاری گردیده است^۱، سه شرط لازم است:

نخست، مرتکب باید جرمی را به دیگری نسبت دهد. به نظر می‌رسد با توجه به واژه‌ی «کسی» در ماده‌ی ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، این جرم از سوی اشخاص حقوقی نیز قابل ارتکاب است^۲. قانون‌گذار فرانسوی در ماده‌ی ۱۲-۲۲۶ به صراحت ارتکاب جرم افترا را از سوی اشخاص حقوقی امکان‌پذیر دانسته است. دوم، لازمه‌ی جرم افترا آن است که مرتکب «به صراحت» جرمی را به دیگری نسبت دهد. سوم، مرتکب قادر نباشد صحت اسناد را اثبات کند.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که برای ارتکاب جرم افترا، وسیله موضوعیت ندارد. ارتکاب جرم افترا به هر وسیله‌ای امکان‌پذیر است. برای تحقق این جرم علاوه بر تحقق عنصر مادی، مرتکب باید دارای عنصر روانی لازم باشد، اما وجود سوءنیت خاص ضروری نیست. پس اگر فرد به هر انگیزه‌ای جرمی را به دیگری نسبت دهد، مرتکب جرم افترا شده است حتی اگر این انگیزه، تحقق عدالت باشد. بنابراین، هرگاه شاهد نیز در مقام ادای شهادت، جرمی را به دیگری نسبت دهد، مرتکب جرم افترا شده است، در حالی که چنین نتیجه‌ای بر خلاف فلسفه‌ی شهادت است؛ زیرا، علی‌الاصول شهود براساس اراده و اختیار خود و به قصد روشن شدن حقیقت و همکاری با دادگستری حاضر به ادای شهادت می‌شوند و اگر شهود در معرض مجازات و مسؤولیت کیفری قرار گیرند، هیچ‌گاه برای ادای شهادت پیش‌گام نخواهند شد. تعقیب شاهد تحت عنوان جرم افترا برخلاف موازین و مقررات قانونی است؛ زیرا همان‌گونه که برخی حقوق‌دانان گفته‌اند این قانون است

۱. به عنوان نمونه ماده‌ی ۱۰-۲۲۶ قانون مجازات فرانسه، به جرم‌انگاری افترا پرداخته است.

۲. برای دیدن نظر مخالف رک: میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۵.

که به شهود دستور می‌دهد حقیقت را بگویند و هرگاه در بیان حقیقت جرمی را به دیگری نسبت دهند، از مسؤولیت کیفری معاف هستند (Rassat, 2007, p.403). این خود، نتیجه‌ی امر قانونی و از عوامل موجهه‌ی جرم است، اما، برعکس توهین و افترای به شاهد به دلیل ادای شهادت باید قابل مجازات باشد؛ که عموماً حقوق جزا نیز بر این موضوع صحه می‌گذارد.

۲-۲-۲. اخذ ضمانت احتیاطی از متهم

اخذ ضمانت احتیاطی یکی از تدابیری است که قانون‌گذار در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ کرده است. تعاریف مختلفی از اقدامات تأمینی و تربیتی توسط حقوق‌دانان بیان شده است. در یک تعریف آمده است: «اقدامات تأمینی، تدابیر فردی و یا وضعی الزامی بدون صبغه‌ی اخلاقی هستند که درباره‌ی افراد خطرناکی که نظم اجتماعی را با حالات و رفتار خود تهدید می‌کنند و یا نسبت به یک وضع خطرناک به موجب حکم دادگاه اتخاذ می‌شوند.» (اردبیلی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۳۵) بنابراین اقدامات تأمینی و تربیتی تنها نسبت به افراد دارای حالت خطرناک اتخاذ می‌شود. در ماده‌ی ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ در تعریف بزه‌کاران خطرناک آمده است: «مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد اعم از این که قانوناً مسؤول باشند یا غیر شود». هدف قانون‌گذار از وضع این ماده، پیش‌گیری از وقوع جرم است که این امر نشان‌دهنده‌ی ورود مباحث جرم‌شناسی به عرصه‌ی حقوق کیفری است. در تعاریف جرم‌شناسان، حالت خطرناک به معنای «رفتار یا حالتی که نوید ارتکاب جرم در آینده را می‌دهد، بدون این که آن حالت لزوماً جرم‌انگاری باشد» (نجفی ابرنآبادی، ۸۱-۱۳۸۰، ص ۸) تعریف شده است.

در ماده‌ی ۱۴ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر گردیده: «هرگاه شخصی که دیگری را تهدید به ارتکاب جرمی کرده بیم آن رود که واقعاً مرتکب آن جرم گردد

یا هر گاه شخصی که محکوم به مجازات جنایی یا جنه‌ای گردیده صریحاً نظرش را بر تکرار جرم اظهار نماید. دادگاه بنا به تقاضای شخص تهدید شده یا متضرر از جرم می‌تواند از او بخواهد تعهد کند که مرتکب جرم نگردد و وجه‌الضمان متناسب برای این امر بدهد. هرگاه مشارالیه از این تعهد خودداری کرد یا وجه‌الضمان مقرر را نسیپارد، دادگاه می‌تواند دستور توقیف او را صادر نماید...».

توجه به مفاد این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار در دو مورد اجازه‌ی اخذ ضمانت احتیاطی را داده است:

نخست، هنگامی که شخصی، دیگری را تهدید به ارتکاب جرمی نماید و بیم آن رود که تهدید خود را عملی سازد؛ دوم، هنگامی که مرتکب جرم، نظرش را به صراحت در مورد تکرار جرم بیان کند. در حالت نخست، دادگاه می‌تواند از فرد بدون این که مرتکب جرمی شده باشد، به محض تهدید دیگری و ترس از عملی ساختن آن و به درخواست فرد تهدید شده، وجه‌الضمان مناسب اخذ نماید. هر چند اتخاذ این تدبیر برخلاف ماده‌ی ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی است؛ زیرا شرط ضروری برای حکم به اقدام تأمینی، ارتکاب جرم از سوی مرتکب است در صورتی که در این حالت ممکن است تهدیدکننده، مرتکب جرمی نشده باشد،^۱ اما می‌توان گفت اتخاذ این شیوه به خوبی هدف حمایت از شهود را تضمین می‌نماید. چه بسا ممکن است در فرایند دادرسی کیفری اشخاصی غیر از مرتکب جرم به تهدید شهود روی آورند و یا این که متهمی که هنوز جرم او به اثبات نرسیده، شاهد را تهدید نماید. بنابراین، باید بتوان به شیوه‌ای، مانع عملی ساختن تهدید گردید. ماده‌ی ۱۴ قانون اقدامات تأمینی یکی از شیوه‌های حل این مشکل است. در ذیل ماده ۱۴ آمده است: «... مدت این توقیف بیش از دو ماه نخواهد بود...». با توجه به طولانی بودن فرایند رسیدگی، مدت پیش‌بینی شده در این ماده بسیار کوتاه است و بهتر بود قانون‌گذار به منظور حمایت

۱. زیرا قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی تنها تهدید به قتل یا سایر ضررهای نفسی یا ... را در نظر داشته، لذا تهدید به ارتکاب هر جرمی شامل آن نمی‌شود.

از فرد تهدید شده، مدت زمان بیش‌تری را در نظر می‌گرفت. همچنین در ماده‌ی یاد شده، اخذ ضمانت احتیاطی موکول به درخواست فرد تهدید شده، گردیده است. ایراد وارد بر این موضوع آن است که در بسیاری موارد، تهدیدکننده علاوه بر تهدید شخص به ارتکاب جرم علیه او، وی را تهدید می‌نماید که مقامات قضایی را از این تهدید مطلع ننماید و فرد تهدیدشده نیز به دلیل ترس از عملی ساختن تهدید، این موضوع را به اطلاع مقام قضایی نرسانده و درخواست اخذ وجه‌الضمان نمی‌نماید. بنابراین، اتخاذ این اقدام حمایتی از شهود رأساً به وسیله‌ی دادگاه، می‌تواند هدف حمایت از شاهد را بهتر تضمین نماید. با وجود ایرادات وارد بر این ماده و فقدان نص صریحی در زمینه‌ی حمایت از شهود، این ماده به نحو بسیار مؤثری می‌تواند در راستای حمایت از شاهد مورد توجه قرار گیرد.

۳. حمایت در قوانین شکلی

در کنار قوانین جزایی ماهوی، آیین دادرسی کیفری نیز به طور غیرمستقیم با پیش‌بینی پاره‌ای از تدابیر کیفری در مقام حمایت از شاهد برآمده است. قانون آیین دادرسی کیفری، تبلور حقوق و آزادی‌های شهروندان اجتماع است تا آنجا که برخی نویسندگان معتقدند برای شناخت میزان حقوق و آزادی‌های اشخاص در یک جامعه باید به سراغ آیین دادرسی کیفری آن کشور رفت. (آشوری، ۱۳۸۳، ج ۱) صیانت از اجتماع و حفظ حقوق شهروندان فقط با وضع مجازات برای اعمالی که جرم محسوب می‌شوند، تضمین نمی‌گردد. قانون‌گذار در کنار مجازات قانون‌گذار باید در صدد وضع مقرراتی باشد که امکان کشف جرم، تعقیب متهم و تسریع در اجرای کیفر در مورد مجرم را فراهم سازد و در عین حال حقوق شهروندان جامعه به ویژه متهم را در کنار حمایت از منافع اجتماع تضمین کند. توازن و تعادل بین حقوق اشخاص و جامعه نیازمند آن است که بدون دلیل یکی بر دیگری تفوق و برتری نیابد. به همین علت در فرایند دادرسی کیفری جز در موارد قانونی، امکان نادیده انگاشتن این حقوق وجود

ندارد. یکی از مواردی که در موضوع حمایت از شهود در نگاه خرد و حمایت از عدالت و اجتماع در نگاه کلان مطرح می‌شود، سلب حق آزادی و اخذ تضمین از متهم است. گاه قانون‌گذار به منظور حمایت از شهود در برابر تعرضات احتمالی متهم، اجازه‌ی بازداشت موقت متهم و یا اخذ وثیقه از او را می‌دهد.

۳-۱. بازداشت موقت متهم

بازداشت موقت که به آن توقیف احتیاطی نیز گفته می‌شود (خالقی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹) «قرار تأمین شدید و سنگینی است که علیه آزادی متهم تا صدور حکم از سوی قاضی صادر می‌شود». (گلدوست‌جویباری، ۱۳۸۶، ص ۸۳) قرار بازداشت موقت با اصل برائت^۱ و آزادی رفت و آمد^۲ افراد مغایر است و «نتایج زیان‌بار آن غیرقابل جبران است» (آخوندی، پیشین، ص ۱۷۳)، لذا، قانون‌گذاران تلاش کرده‌اند موارد صدور قرار بازداشت موقت را تحت نظم و قاعده‌ی خاصی در آورده و آن را به صلاحدید قضات وا نگذارند. به تبعیت از این موضوع، قانون‌گذار ایران نیز به منظور تأمین عدالت و تضمین حقوق سایر شهروندان، موارد صدور قرار بازداشت موقت را در قانون احصا نموده و دو نوع بازداشت موقت را پیش‌بینی کرده که عبارتند از: قرار بازداشت موقت اختیاری و قرار بازداشت موقت اجباری.

مبنای قانونی صدور قرار بازداشت موقت اختیاری، ماده‌ی ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد. در این ماده مقرر گردیده: «در موارد زیر هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است... د- در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن

۱. اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» ماده‌ی ۱ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز مؤید این امر است.

۲. آزادی رفت و آمد در اسناد ذیل مورد توجه قرار گرفته است: ماده‌ی ۹ و بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۱۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، بندهای ۱ تا ۴ ماده‌ی ۱۲ و نیز ماده‌ی ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای ۱ و ۲ ماده‌ی ۳ و نیز ماده‌ی ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

آثار و دلایل جرم شده یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود...». در ماده ۳۵ قانون مذکور در مورد قرار بازداشت موقت اجباری آمده است: «در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن، هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت الزامی است...»

در توضیح این دو ماده، اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۹۰۶۰ مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۶ اعلام داشته است: «در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت احصاء شده است، لیکن در ماده ۳۵ همان قانون، موارد الزامی بودن صدور قرار بازداشت موقت تعیین شده است. بنابراین در جایی که بند «د» ماده ۳۲ قابل تحقق بوده و جرایم نیز از جرم‌های مذکور در ماده ۳۵ باشد، توقیف الزامی است، لیکن اگر بند «د» قابل تحقق نباشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی نخواهد بود. به عبارت دیگر هر جا از جرایم احصاء شده در ماده ۳۵ و همراه با قیود ماده ۳۲ باشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی و در غیر این صورت جایز خواهد بود.»

بند «د» ماده‌ی ۳۲ قانون مذکور، دارای اهمیت بسیاری است و قاضی در صدور قرار بازداشت موقت باید قیود ماده‌ی ۳۲ را مدنظر قرار دهد. یکی از قیدهایی که قانون‌گذار در بند «د» ماده‌ی مذکور آورده و با بحث حمایت از شهود مرتبط است، ذکر این موضوع است که اگر آزادی متهم سبب شود شهود از ادای شهادت خودداری نمایند، قاضی می‌تواند و در موارد مذکور در ماده‌ی ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف است، قرار بازداشت موقت متهم را صادر کند. در واقع ذکر این قید به معنای آن است که اگر متهم، شاهد را تهدید کند که در صورت ادای شهادت آسیبی به او و یا خانواده‌ی وی وارد می‌آید، قاضی بر طبق قانون باید اقدام به صدور

قرار بازداشت موقت کند. «خطر اثرگذاری بر شهود و مطلعان وقتی می‌تواند مطرح می‌شود که اقداماتی به طرق غیرمشروع (تهدید، تطمیع و غیره) معمول شود و یا احتمال آن وجود داشته باشد» (آشوری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۴۸). با وجود این که در این ماده، قانون‌گذار به صراحت بیان نکرده است که شهود به دلیل تهدید متهم و ترس از آسیب‌رسانی او حاضر به ادای شهادت نشوند، اما مقصود قانون‌گذار از وضع این ماده، همین بوده است. با وجود این که هنوز قانون و حتی ماده‌ی مشخصی در مورد حمایت از شهود در قوانین کیفری ایران وجود ندارد، در حال حاضر بند «د» ماده‌ی ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری یکی از مهم‌ترین موادی است که حمایت از شاهد را مدنظر قرار داده است. اهمیت این امر باعث شده است تدوین‌کنندگان لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری، با وجود اختصاص موادی به مبحث حمایت از شهود، این موضوع را در لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری نیز مقرر دارند.^۱ در ماده‌ی ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز آمده است: «بازداشت موقت فقط هنگامی می‌تواند دستور داده یا تمدید شود که تنها راه و شیوه برای موارد ذیل باشد:

نگهداری ادله یا قرائن مادی یا جلوگیری از فشار بر شهود یا بزه‌دیدگان، یا جلوگیری از تبانی بین اشخاص تحت بررسی و معاونان،...». در این ماده قانون‌گذار فشار بر شهود را از جمله موارد جواز که صدور قرار بازداشت موقت است. فشار بر شهود و مطلعان از یک سو، ممکن است باعث شود تا آن‌ها از ادای شهادت خودداری نمایند و از سوی دیگر، ممکن است باعث شود شهود، در ادای شهادت به دروغ متوسل شوند. توجه به این مهم، قانون‌گذار فرانسه را واداشته است که برای جلوگیری از فشار بر شهود، بازداشت موقت متهم را در قانون پیش‌بینی کند. در عین حال قانون‌گذار فرانسوی در این ماده به حقوق متهم نیز توجه داشته است؛ بنابراین،

۱. ماده‌ی ۲۳-۱۲۶ لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری؛ «صدور قرار بازداشت موقت منوط به وجود یکی از شرایط زیر است: الف) هرگاه آزادی متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقع گردد و یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند...».

اگر از طریق دیگری بتوان مانع فشار بر شهود شد، صدور قرار بازداشت موقت جایز نمی‌باشد.

صدور دستور بازداشت موقت در ماده‌ی ۵۸ اساس نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی تجویز شده است.^۱ در این ماده یکی از شرایط صدور این دستور، ممانعت متهم از انجام تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه و یا به خطر انداختن آن‌ها در صورت آزادی است. تهدید شهود و مطلعان واقعه یکی از مواردی است که تحقیقات صحیح را به مخاطره می‌اندازد، لذا این تدبیر حمایتی در این سند بین‌المللی مورد تأیید واقع شده است. در کنوانسیون جنایات سازمان یافته‌ی فراملی نیز هرچند به صراحت از این شیوه‌ی حمایتی سخنی به میان نیامده است، اما از یک سو، با توجه به فحوای برخی مواد این کنوانسیون^۲ و از سوی دیگر، مصادیقی بودن مواد مربوط به حمایت از شهود در این سند بین‌المللی^۳، می‌توان این گونه برداشت کرد که بازداشت موقت متهم، به عنوان یک راه کار حمایتی مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۳. اخذ وثیقه از متهم

یکی از تدابییری که قانون‌گذار ایرانی در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری پیش‌بینی کرده است و به طور ضمنی می‌تواند هدف حمایت از شهود را برآورده سازد، اخذ وثیقه از متهم است. قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۳۲ قانون مذکور مقرر داشته است: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را

1. See: International Criminal Court, Art 58(a)

۲. به عنوان نمونه رک: بندهای مختلف ماده‌ی ۱۸ کنوانسیون جنایات سازمان یافته‌ی فراملی که به صورت ضمنی اجازه‌ی بازداشت موقت متهم را می‌دهد.

۳. ماده‌ی ۲۴ کنوانسیون پارمو به ذکر مصادیق حمایت از شهود پرداخته است.

صادر نماید: ... ۴- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول...». توجه به مفاد ماده‌ی مذکور نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی از پیش‌بینی چنین قراری دو هدف را دنبال کرده است:

نخست، دسترسی به متهم تا پایان دادرسی و تضمین اجرای حکمی که ممکن است در آینده علیه متهم صادر شود؛

دوم، «جلوگیری از اختلال در روند رسیدگی کیفری» (گلدوست جویباری، پیشین، ص ۷۴).

تبانی متهم با دیگری، یکی از مواردی است که می‌تواند در روند رسیدگی اختلال ایجاد نماید؛ این تبانی ممکن است توسط متهم با شرکاء یا معاونان جرم به منظور انجام اعمال مختلفی صورت پذیرد که یکی از موارد آن را می‌توان تبانی بر تهدید و ترساندن شهود و جلوگیری از ادای شهادت آنان و یا اجبار آنان به ادای شهادت دروغ دانست. بنابراین، به منظور حمایت از شهود، می‌توان از متهم، وثیقه اخذ نمود و «قاضی می‌تواند در ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه، به متهم یادآور شود که از اقدام تهدیدآمیز یا انتقام‌آمیز علیه بزه‌دیدگان و شهود پرهیز نماید.» (میرزایی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰) به نظر نمی‌رسد صدور سایر قرارهای تأمین کیفری به جز بازداشت موقت متهم بتواند مانع متهم از تهدید شهود شود؛ زیرا ضمانت اجرای عدم اجرای تعهد در این قرارها نسبت به قرار وثیقه سبک بوده و اثرگذاری این قرارها بر روی متهم اندک است.

در لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری، علاوه بر این که صدور قرار وثیقه به منظور جلوگیری از تبانی متهم^۱، پیش‌بینی شده است، در ماده‌ی ۱-۱۲۶، «تضمین حقوق بزه‌دیده» به عنوان یکی از جمله مواردی است که می‌تواند منجر به صدور قرار وثیقه شود. از یک سو، بزه‌دیده ممکن است، شاهد حادثه نیز باشد که در صورت عدم صدور

۱. ماده‌ی ۱۰-۱۲۶ لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری: «قرار تأمین باید به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگه اعزام درج می‌شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی، بازداشت شده باشد، این جهت نیز در برگ اعزام قید می‌شود.»

قرار مناسب توسط متهم و تهدید بزه‌دیده توسط او، حقوق وی تضییع شود و از سوی دیگر، فقدان قرار مناسب در مورد متهم ممکن است به تهدید شهود حادثه و امتناع آنان از ادای شهادت منجر شود که در نهایت احقاق حق بزه‌دیده با مشکل مواجه خواهد گردید. این مشکلات، قانون‌گذار را بر آن داشت تا به منظور تضمین حقوق بزه‌دیده، قرارهای تأمین کیفری مناسب را پیش‌بینی نماید.

در ماده‌ی ۱۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز آمده است: «هنگامی که شخص تحت بررسی به تهیه‌ی وثیقه یا ارائه‌ی تأمین و تضمین ملزم می‌شود، این وثیقه یا تأمین، تضمین می‌کنند:

حضور شخص تحت بررسی را در هر مرحله از رسیدگی و برای اجرای رأی و در صورت مقتضی، اجرای سایر الزاماتی که به او تحمیل شده است...».

در این ماده قانون‌گذار به منظور تضمین اجرای الزاماتی که به متهم تحمیل شده است، قرار وثیقه را پیش‌بینی کرده است. از جمله‌ی این الزامات می‌تواند ملزم نمودن متهم به عدم تماس با بزه‌دیده یا شهود پرونده در راستای حمایت از آنها باشد. این‌گونه الزامات به صراحت در پاره‌ای از مواد قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است^۱ رویه‌ی قضایی نیز به تأسی از محتوای این مواد الزامات و تکالیف قانونی و قضایی متهم را مشخص کرده است. (Vergès, 2007, p.205)

اخذ وثیقه از متهم در توصیه‌های کمیته‌ی سازمان ملل متحد برای پیش‌گیری از جرم نیز مورد توجه قرار گرفته است که به موجب آن، دادستان‌ها برای قبول کفالت یا وثیقه باید این شرط را قید نمایند که متهم، شاهد و بزه‌دیده را تهدید ننماید (Farajih Ghazvini, 2002, p.311).

۱. رک: مواد ۱۳۸ و ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

۴. برآمد

در قوانین و اسناد بین‌المللی، اقدامات حمایتی مختلفی برای حمایت از شهود پیش‌بینی شده است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان این تدابیر را به روش‌های حمایتی غیر کیفری و اقدامات حمایتی کیفری تقسیم کرد.

در اقدامات حمایتی کیفری، قانون‌گذاران به حمایت از شهود در قوانین ماهوی در قالب تدابیری همچون جرم‌انگاری تهدید شاهد و یا توهین به او و همچنین جرم‌انگاری افشای هویت یا اقامتگاه شاهد در کنار پیش‌بینی عدم امکان انتساب افترا به شاهد و اخذ ضمانت احتیاطی از متهم پرداخته‌اند. حمایت از شهود در قالب تدابیر کیفری در قوانین شکلی از طریق صدور قرارهای تأمینی همانند بازداشت موقت متهم و یا اخذ وثیقه‌های مناسب از او نیز امکان‌پذیر است.

این تدابیر در برخی قوانین و اسناد بین‌المللی به صراحت آمده است و گاه از فحوای مواد موجود و به صورت ضمنی می‌توان این روش‌ها را مورد ملاحظه قرار داد. افزون بر این، برخی از تدابیر که می‌تواند در راستای حمایت از شهود بسیار مؤثر و مفید باشد، نه تنها در قوانین، بلکه در اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار نگرفته است؛ بنابراین، ضرورت دارد تدوین‌کنندگان قوانین داخلی این تدابیر حمایتی را در تدوین قوانین جدید خود مورد توجه قرار دهند.

با وجود این، اگرچه در اسناد بین‌المللی که در سال‌های اخیر به تصویب رسیده است و همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، قسمتی از مواد موجود به صورت اختصاصی به موضوع حمایت از شهود اختصاص داده شده است، اما در قوانین موجود در نظام حقوقی ایران، به این موضوع مهم به صورت خاص توجه نشده است.

در پایان لازم به ذکر است که هر چند نمی‌توان ادعا کرد که با اتخاذ مجموعه‌ای این تدابیر، حمایت از شهود به نحو مطلوب امکان‌پذیر شده است، اما بدون تردید عدم توجه به این اقدامات و تدابیر یا عدم تلاش در ارتقاء و بهبود این شیوه‌ها، امنیت

روانی شهروندان و به ویژه شهود را به مخاطره انداخته و آن‌ها را در همکاری با مقامات قضایی دچار تردید می‌کند. بنابراین، در پرتو مطالعه‌ی حقوق کیفری کشورهای خارجی و به ویژه اسناد بین‌المللی در زمینه‌ی حمایت از شهود در خلال فرایند دادرسی کیفری است که می‌توان سنگ بنای حمایت از شهود را در حقوق داخلی پی‌ریزی کرد و با توجه به ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر نظام دادرسی ایران و اوصاف و ویژگی‌های جامعه‌ی ایرانی، آن را غنا بخشید.

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
۳. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
۴. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴
۵. باقری‌نژاد، زینب، «حمایت از شهود در فرایند کیفری»، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، شماره‌ی ششم، ۱۳۸۷
۶. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷
۷. گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶
۸. میرزایی، اسداله، حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در برابر تهدید در فرایند دادرسی کیفری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۴
۹. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶
۱۰. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰
12. Farajih Ghazvini, Mohammad; **police protection to victims of crime**; Deep & Deep publication, New Dehli, 2002.
13. Rassat; Michèle- Laure; **editione pénale**; Paris, puf, Paris, 15 ème edition, 2007.
14. Vergès, Étienne; **procédure pénale**; lexis Nexis litec, Paris, 1 ère édition, 2007.